

در همسایگی پلشت‌ها

درباره افرادی که به رعایت بهداشت فردی بی تفاوت هستند

ملیحه ابراهیمی | لطفاً کمی خودتان را جمع و جور کنید. حداقل مراعات نگرانی تان را بکنید که مجبور است چند دقیقه و گاهی ساعت‌هایی را در کنار شما بگذراند. بی مقدمه در این شماره قصد داریم در مورد رعایت بهداشت فردی صحبت کنیم. موضوعی که همگی باید به آن آگاه باشیم تا کمترین درگیری را برای دیگران ایجاد کنیم. حتماً در موقعیت‌های مختلف، نمونه‌های ملموس و بارزی را که در ادامه می‌خوانید عمیقاً درک کرده‌اید. شاید هم خودتان جزو آن افرادی هستید که به بهداشت فردی بی‌توجهند!



طرح: علیرضا اکدل شهرآرا



برداشت سوم؛ محیط کار

دنیای پرماجرای محیط‌های کاری یکی دو تا نیست. خیلی‌ها بر این تصورند که در دنیای کارمندی یا کارگری در کارخانجات و... از رفتارهای اشتباه دیگران رنج می‌برند.

شسته نشده و گهگاهی با دست یا دستمال کاغذی پاک شده است. **■ سرویس غیر بهداشتی:** جالب است بدانید گروهی از افراد هستند که در محیط کار نسبت به نظافت بی‌تفاوت‌اند. مادر خانه و زندگی با حساسیت ویژه‌ای رفتار می‌کنند. یک کارمند خانم همان طوری که در سرویس بهداشتی محل کارش موهایش را پرس می‌کشد تعریف می‌کرد: به یاد دارم در توالی منزلمان موهایم را شانه زده باشم زیرا مادرم به ریختن موهای بلندم بسیار حساس است. دیگری همان طوری که محو صحبت هایش بود، بایش را روی رومشور گذاشته بود تا روی کفش کتفش را با آب بشوید. با دستان خیسش دستمال کاغذی‌های رولی را چندتا جدا و دو تا در کفشش را تمیز می‌کرد و به جای آنکه توی سطل زباله بریزد روی در آن می‌انداخت. نمونه این افراد کسانی هستند که اعتقادی ندارند باید بعد از استفاده از سرویس بهداشتی فلاش تانک را کشید، با یا اهرم سطل پدالی را فشار دهند و زباله هایشان را درون آن بیندازند یا ناگاهی به دور و اطراف بیندازند و از تمیز بودن محیط مطمئن شوند.

می‌شوند. از هیچ شیوه نامه بهداشتی پیروی نمی‌کنند و اعتقادی به ماسک، دستکش یک بار مصرف و... ندارند و خیلی راحت به خودشان اجازه می‌دهند یا دست از داخل ظرف میوه همکاران درستی‌شان برشی از میوه بردارند. **■ شلوغی:** می‌بیند که همکاران دو طرف میزش هر روز که در محل کار حاضری شوند، روی میزشان را سامان دهی می‌کنند. اما بی تفاوت به کار خود ادامه می‌دهد. حتی حاضر نیست فحان شخصی‌اش را که از دیروز جای در آن خشک شده آبی بریزد! بیشتر اوقات هم حد و مرزی برای لوازم پخش و پلاش روی میز ندارد و باعث آزار دیگران می‌شود. روی میز صبحانه یا ناهار می‌خورد و اصلاً حواسش به خرده نان‌ها، خوراکی‌ها و لکه نوشیدنی‌ها نیست. ظرف پوست میوه‌اش را تا آخر وقت در سطل زباله خالی نمی‌کند. کافی است به بهانه بیرون آوردن وسیله‌ای کشوی میزش را باز کند. پراز ظرف‌های کثیف و کپک زده است. اما با این حال ناراحت می‌شود که چرا همکارش از چاقوی میوه‌او استفاده نمی‌کند. به خصوص زمانی که همکارش می‌داند آن چاقو ماه‌هاست

بیش از هشت ساعت افراد روزشان را در کنار هم سپری می‌کنند. جالب است که برخی گلابه‌ها بین خیلی‌ها که قانونمند هستند مشترک است. مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: **■ بوی بد:** برخی همکاران علاوه بر آنکه اعتقادی به استفاده از رایحه‌های خوشبو ندارند، نظمی هم برای حمام رفتن در طول هفته ندارند. بوی عرقی که از این دسته افراد متصاعد می‌شود بارها باعث ناراحتی اطرافیان شده است. اما این پایا ن ماجرا نیست؛ عده‌ای بر این باورند استفاده از عطرها و ادکلن‌ها می‌تواند جایگزین خوبی برای بوی بد لباس‌هایی باشد که مدت‌هاست شسته نشده‌اند. **■ بیماری:** طرف یک هفته است سرش شیش افتاده است. معتقد است راه‌های درمان خانگی به زودی او را از شر این موجود خلاص می‌کند و هیچ دغدغه‌ای برای رفع جدی آن ندارد. در محل کار حاضر می‌شود. شال باکتش را روی جالپاسی عمومی آویزان می‌کند بی آنکه نگران باشد ممکن است همکار دیگری به شیش مبتلا شود. این‌ها همان همکارانی هستند که در زمانی که بیماری ویروسی دارند در محل کار حاضر

تحمل درد با چاشنی آسودگی راننده ترانزیتی را سراغ داریم که در طول سی سال رانندگی در جاده‌های ایران و خارج از آن، کمک راننده نداشته. از دیسک کمر رنج می‌برد اما می‌گفت: تحمل درد کم‌روقتی که پنچری لاستیک می‌گیرم راحت‌تر از آدمی است که قرار است در وقت بیکاری دستش را در لای انگشتان یا پایی‌اش کند. **■ گوشه که بدهکار نیست** کاسب‌های زیادی هم هستند که از شریک یا شاگردشان دل خوشی ندارند. در شراکت چاره‌ای ندارند و در مقابل شاگرد باید مدام به سروکله بیکدیگر بزنند. کاسبی تعریف می‌کرد: مدت زیادی از حضور شاگردم که از بچگی در مغازه ام کار می‌کند، می‌گذرد. هنوز نتوانسته‌ام برایش جایبندازم در زمان‌هایی که من مغازه نیستم، یا هایت را روی میز کار دراز نکن یا یاد استمالی که میز سماور را پاک کرده‌ای. لکه روی زمین را پاک نکن و...

■ کار کردن با اعمال شاقه این ماجرا را بیشتر در محیط کارهای عمومی می‌توان به تماشا نشست. جایی که روزانه



برداشت اول؛ خانه

عادت دارد از راه که می‌رسد نشانه‌هایی را از خود به جای بگذارد. به عنوان نمونه با کفش‌های پرتل قدم به راه پله‌های آپارتمانی می‌گذارد که روز پیش نظافتچی سنگ‌هایش را برق انداخته است. از همان ثانیه‌ای که کلید را به در می‌اندازد با لوازم شخصی‌اش یک هزارتو می‌چیند. دسته‌کلید به یک طرف، هر لنگ جوراب به یک سو، شلوار و پیراهن یکی روی دسته مبل، دیگری روی سرامیک کف اتاق و... این‌ها همان افرادی هستند که پشت هر اقدامی که در خانه انجام می‌دهند باید یک نفر آن‌ها را حمایت کند. به عنوان نمونه وقتی از سرویس بهداشتی، حمام، سینک ظرف‌شویی یا اجاق خوراک پزی استفاده می‌کنند یا جلو تلویزیون دراز می‌کشند و تخمه می‌خورند و می‌ریزند باید یک نفر حضور داشته باشد تا اوضاع نابسامانی را که ایجاد کرده‌اند، سامان بدهد.



برداشت دوم؛ مدرسه

امکان ندارد هر روز که از مدرسه به خانه می‌آید، تمام وسایلی را که به همراه داشته به خانه بازگرداند. یک روز بطری آبش را فراموش می‌کند، روز بعد مدام و پاک کنش را! این روزهای سرد هم بعد از زنگ ورزش کاپشن کلاه و گاهی شال گردنش را توی حیاط جامی‌گذارد. این گروه از دانش‌آموزان اعتقادی به نظم ندارند و گرنه هر روز لوازم اضافه‌شان را در جامیز یا یکی از جیب‌های کیفشان می‌گذاشتند. در عوض تا دلتان بخواهد پوست میوه خشک شده، ساندویچ‌های کپک زده، نرمة خوراکی و شیرابه میوه‌های له شده در کیفشان مشاهده می‌شود. گاهی کثیف بودن کف کیف برخی از دانش‌آموزان باعث آزار هم‌کلاسی‌ای می‌شود که با هم در یک میز نشسته‌اند. ناگفته نماند در بین افراد، دانش‌آموزان زیادی هستند که نقش وندال‌ها را ا جرامی‌کنند. به عنوان نمونه با خودکاری که به دست دارند روی میز نیمکت، در و دیوار، نقش‌هایی را به یادگار می‌گذارند یا نسبت به برخی امور بی‌توجهند. از سرویس‌های بهداشتی مدرسه هر روز استفاده می‌کنند بی آنکه درباره رعایت بهداشت آن مسئولیتی داشته باشند.



برداشت پنجم؛ نظافت خودروها

تمیز نبودن یک خودرو نه تنها باعث خدشه دار شدن زیبایی بصری می‌شود بلکه ممکن است برای خیلی‌ها ایجاد مزاحمت کند. همسایه‌ای تعریف می‌کرد: یکی از مستأجران از زیر و روی ماشینش کثیفی می‌بارد. وقتی خودرواش در پارکینگ پارک است از زیرش روغن می‌چکد و موزاییک را خراب کرده است. بدنه کثیفش هم برای دیگر همسایگان که از کنارش مجبورند رد شوند مزاحمت ایجاد کرده است. خیلی وقت‌ها لباس‌هایمان کثیف می‌شود. از این‌ها گذشته شیرابه‌های خشک شده روی صندوق عقب ماشینش بوی بدی را در پارکینگ به راه‌انداخته است. انگار عادت دارد کیسه‌های زباله را روی صندوق می‌گذارد تا موقع بیرون رفتن توی یک سطل زباله بزرگ بیندازد.



برداشت چهارم؛ وسایل و اماکن عمومی

■ نمازخانه‌ها: برای خیلی‌ها نمازخانه حکم استراحتگاه را دارد. درست مثل نمازخانه‌های بین راهی. در حالی که در یک محیط کار یا یک مکان عمومی مثل مراکز تجاری بزرگ رعایت بهداشت در این مکان‌ها ضروری است. خیلی‌ها که به قصد نماز خواندن می‌آیند عادت دارند کفش هایشان را داخل بیاورند. جدا از آنکه عملی ناشایست است، غیربهداشتی نیز هست. عده‌ای بی تفاوت هم مژه‌ها، سجاده و جانمازها و چادر نماز هایشان را بعد از استفاده سر جای خود نمی‌گذارند. همین‌ها کسانی هستند که وقتی در نمازخانه‌ها خوراکی می‌خورند پوستش را رها می‌کنند و نسبت به خرده‌ریزهای غذا بی تفاوت‌اند.

■ وسایل حمل و نقل عمومی: در زمانی که وارد وسایل حمل و نقل عمومی می‌شویم، حواسمان به دیگر مسافران هم باشد. حتماً باید مهم باشد وقتی دستمان را از دستگیره بالای سرمان در اتوبوس می‌گیریم لباس یا تنمان بوی عرق ندهد. همچنین وقتی صورت به صورت مسافران قطار شهری در یک ایستگاه شلوغ ایستاده ایم با دگلو و معده مان را کنترل کنیم. دردناک است که یک مسافر بیمار سوار تاکسی اینترنتی می‌شود و این اجازه را به خود می‌دهد که دستمال کاغذی را جلو صورتش بگیرد و در جهت کم شدن آب بینی‌اش در حضور راننده، فین کند. البته از خطای رعایت نکردن بهداشت فردی برخی مسافران در زمان عطسه یا سرفه کردن هم نمی‌توان چشم‌پوشی کرد.